جایگزین

گزینه جایگزین چیزی است که شما می توانید به جای اولین انتخاب خود انتخاب کنید.

اولین برنامه او برای کسب درآمد اضافی ضعیف به نظر می رسید ، بنابراین او گزینه دیگری را انتخاب کرد.

خیابان

خیابان یک جاده است ، که اغلب یک جاده بزرگ با ساختمانهایی در هر طرف است.

از این خیابان رد شوید و سپس به چپ بپیچید تا به پارک بروید.

شکم

شکم معده شخص یا حیوان است.

شکمش پر بود زیرا غذای زیادی می خورد.

پیشنهاد

پیشنهاد انجام کاری تلاشی برای انجام آن است.

او پیشنهاد داد تا رئیس بعدی دانشگاه شود.

فوت کردن، دمیدن

دمیدن به معنای حرکت هوا یا حرکت چیزی از طریق هوا است ، مانند باد.

امروز باد بسیار شدید می وزد. ما باید داخل بمانیم

تعارض

درگیری درگیری بین افراد یا گروههای مختلف است.

این دو ملت با هم درگیری داشتند که یکی از آنها می تواند از آب رودخانه استفاده کند.

قاره

قاره یکی از هفت منطقه وسیع روی زمین است.

آسیا بزرگترین قاره است.

جاری

جریان جریان مداوم و مداوم هوا یا آب در رودخانه یا اقیانوس است.

جریان های اقیانوس کشتی را بسیار دورتر به دریا می برد.

بی احترامی کردن

بی احترامی بی ادبی یا رفتاری است که عدم احترام را نشان می دهد.

او در هنگام ملاقات با مشاجره با رئیس خود بی احترامی کرد.

اشتیاق

شوق یک احساس خوب بسیار خوب در مورد چیزی است.

جمعیت با تشویق بلند تشویق خود را برای تیم فوتبال نشان دادند.

خشن

وقتی چیزی خشن است ، بسیار ناخوشایند است.

کویر می تواند یک محیط بسیار سخت باشد.

لاغر

خم شدن یعنی خم شدن بدن در یک جهت خاص.

زن چون خسته بود به پیشخوان تکیه داد.

در ضمن

در این بین زمان بین دو واقعه است.

تد شروع به چیدن میز کرد. در این فاصله ، شروع به تهیه غذا کردم.

بدبختی

شیطنت رفتاری است که هدف آن فریب یا ایجاد دردسر برای افراد است.

وقتی بن را ترغیب کرد که صورت خود را نقاشی کند ، در معرض شیطنت قرار داشت.

ماهیچه

عضله توده ای از بافت متصل به استخوان است که به شما در حرکت کمک می کند.

او به منظور تقویت عضلات خود به باشگاه رفت.

نجات

نجات کسی به معنای دور کردن او از خطر است.

آتش نشان مرد را از ساختمان در حال سوختن نجات داد.

جانشینی

جانشینی به مواردی گفته می شود که یکی پس از دیگری دنبال می شوند.

دانشجو حروف الفبا را پشت سر هم گفت.

زمین

زمین ، سرزمین و تمام خصوصیات فیزیکی یا قطعات آن است.

زمین زیر صخره ای و پر از تپه بود.

ترسو

اگر کسی ترسو باشد ، ترس ، خجالتی یا عصبی بودن دارد.

کودک ترسو هر وقت غریبه ای را دید پشت مادرش پنهان می شود.

خشونت

خشونت عملی نیرومند است که به منظور آسیب رساندن یا کشتن مردم است.

این پسر در یک اقدام خشونت آمیز برادرش را زد.

خورشید و باد شمالی خورشید و باد شمالی

خورشید و باد شمال در آسمان با هم صحبت می کردند. باد شمال می گفت که او از بقیه بهتر است. خورشید در حالی که باد شمال با اشتیاق درباره قدرتمند بودن و صحبت کردن با یک نفس از قاره ای به قاره دیگر فشار می داد ، گوش می داد. او گفت ، "من قوی ترین چیز در آسمان هستم."

"واقعاً؟" خورشید را پرسید. "از کجا می دانید که شما قدرتمندتر از ستاره ها ، یا باران ، یا حتی من هستید؟"

باد شمال با بی احترامی خندید. او داد زد ، "تو؟ این یک جوک است!"

این به خورشید صدمه زد. او معمولاً ترسو بود و نمی خواست درگیری ایجاد کند. امروز او تصمیم گرفت که باید به باد شمال درس بدهد.

در این بین ، مردی در امتداد خیابان پایین زمین شروع به راه رفتن کرد. وقتی خورشید از پایین به زمین نگاه کرد ، او مرد را دید. او به زمین اشاره کرد و گفت ، "آیا آن مرد را می بینی که از زیر راه می رود؟ شرط می بندم که می توانم ژاکتش را از روی او بردارم. میتوانی؟"

"البته!" در حالی که نفس عمیقی کشید و ریه های خود را پر از هوا کرد ، باد شمال پاسخ داد. او از تمام عضلات صورت و شکم خود استفاده کرد تا پشت سر هم به هدف خود ببارد.

جریان شدید هوا باعث سرد شدن انسان شد. مرد کتش را محکمتر به اطرافش کشید. خاموش نشد خورشید تصمیم گرفت تا این مرد را از شر شیطنت شمال نجات دهد. او گفت ، "آیا می توانم امتحان کنم؟" سپس نور آفتاب را فرستاد که باعث گرم شدن مرد شد. مرد به درختی تکیه داد. او ژاکت خود را در آورد و از هوای خوب لذت برد.

سان به باد شمال گفت: "شما بسیار قدرتمند هستید ، اما در تلاش خود از خشونت استفاده می کنید تا قوی به نظر برسید. باید به فکر گزینه دیگری باشید. قوی ترین افراد برای رسیدن به خواسته های خود از زور استفاده نمی کنند. "

خواندن درک